

تحلیل و بررسی روایات سنّ حضرت مهدی علیه السلام (با تأکید بر نقد ادّعای بهائیت)

محمد علی فلاح علی آباد*

عزّ الدین رضانزاد**

حجت حیدری چراتی***

چکیده

بسیاری از روایات منابع دست اول شیعه و برخی روایات اهل سنت، به سنّ ظاهری حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، اشاره کرده و حضرت را در ۳۰، ۳۲، ۴۰ و کم‌تر از ۴۰ سال دانسته؛ یا در مورد آن حضرت، تعبیر متفاوتی همچون غلام (کودک)، شابّ (جوان)، شابّ حدث (جوان در ابتدای جوانی)، شابّ موفق (جوان کامل)، فتی (مرد کامل) وارد شده است.

هرچند به ظاهر، این روایات دارای تعبیر متفاوتی است که دستاویز بهائیت، خصوصاً ابوالفضل گلپایگانی در کتاب «فرائد» قرار گرفته است؛ با دقت در مدلول این روایات و تحلیل و بررسی آنها و آن تعبیر در لغت و استعمال این تعبیر در زبان عربی، به ضمیمه روایات طول عمر حضرت علیه السلام؛ عدم تعارض و اتحاد مضمون همه روایات روشن و تبیین می‌شود که همه روایات حاکی از این است که طول عمر آن حضرت علیه السلام، بر ظاهر ایشان تأثیری نداشته و ایشان در سنّ جوانی ظهور خواهند کرد.

کلیدواژه‌ها: ظهور، حدائت، سنّ حضرت مهدی، روایات، طول عمر.

mfallah193@gmail.com

rezanejad39@yahoo.com

heidarifz@yahoo.com

* دانش‌آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت.

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه.

*** دانش‌آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت.

در منابع اسلامی، اعم از منابع روایی شیعه و اهل سنت، روایات فراوانی در موضوع شکل و شمایل ظاهری قائم موعود، حضرت حجت بن الحسن علیه السلام، از قبیل سنّ حضرت، چگونگی صورت نورانی آن امام، ابروها، خال بر گونه راست، چشم‌ها، پیشانی، موی سر و صورت، دست‌ها، سینه، قد و قامت و... (جهت مطالعه بیش‌تر، ر.ک: نعمانی، ۱۳۷۹: ص ۲۲۱ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۶۷). وارد شده است.

از آن‌جا که شناخت ظاهر و سیمای حضرت مهدی علیه السلام در هنگام ظهور، اهمیت بسیاری دارد؛ از بین خصوصیات ظاهری حضرت، سنّ ایشان مورد توجه بسیاری از روایات شیعه و برخی روایات اهل سنت قرار گرفته، که ضرورت بحث از آن را، دوچندان می‌سازد. بررسی این روایات، کذب ادعای بسیاری از مدعیان، همچون سید علی محمد باب را روشن ساخته، و دست بهائیان را از دستبرد به معارف اهل بیت علیهم السلام کوتاه می‌سازد. آن‌ها همواره تلاش می‌کنند تا «باب» را موعود اسلام معرفی کنند و در این بین، به احادیث حدیث و جوانی حضرت نیز تمسک کرده‌اند. در این مقاله، بطالن برای ادعای آنان در تطبیق روایات جوانی سنّ قائم بر علی محمد شیرازی روشن می‌گردد.

بهائیت، که پیروان آیین بهاء (حسین علی نوری) هستند، معتقدند دین اسلام با آمدن سید علی محمد شیرازی (ملقب به باب)، نسخ گردید. باب، منجی و موعودی است که در روایات از آن سخن گفته شده است (اشراق خاوری، ۱۳۲۸: ص ۵۳ و ص ۱۵۷).^۱ آن‌ها برای اثبات ادعای خود به روایاتی تمسک کرده و مدعی شده‌اند که روایات صفات ظاهری موعود، بر باب منطبق است و از آن جمله، روایاتی است که سنّ حضرت را هنگام ظهور بیان می‌کند. در بین آثار بهایی که به صورت گسترده از آیات و روایات بهره برده است، کتاب فرائد

۱. اشراق خاوری در کتاب رساله ایام تسعه به نقل از باب می‌نویسد: من، همان قائم موعودی هستم که هزار سال منتظر ظهور او هستید (ص ۱۵۷). همچنین در کتاب منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی عز اسمه الاعلی آمده است: در ظهور نقطه بیان اگر کل یقین کنند به این که همان مهدی موعودی است که رسول خدا خبر داده.. (ص ۷۸).

نوشته ابوالفضل گلپایگانی^۱ می‌باشد، گلپایگانی بزرگ‌ترین مبلغ و نویسنده در میان بابیه و بهائیه است که کتاب فرائد او را مفصل‌ترین و بالاترین کتاب استدلالی و نظری بهائیت می‌دانند.^۲

ادعای گلپایگانی از مبلغان بهائیت

ابو الفضل گلپایگانی در کتاب فرائد، به پنج روایت از روایات سنّ حضرت حجت اشاره و از آن‌ها بر ادعای مهدویت علی محمد باب تمسک می‌کند. اولین روایت را از بحار الانوار انتخاب کرده است:

از احادیثی که بر حدیث سن مبارک و ظهور آن حضرت در حالت شباب و جوانی دلالت می‌کند، روایتی است که مرحوم مجلسی^{رحمه الله} در مجلد غیبت از کتاب بحار در باب کیفیت ظهور قائم از ابی بصیر و او از ابی عبدالله^{علیه السلام} روایت می‌فرماید: «انه لو خرج القائم لقد انكره الناس يرجع اليهم شابا موقفا فلا يلبث عليه الا كل مومن أخذ الله ميثاقه في الذر الاول و قال ايضا^{علیه السلام} و من أعظم البليه ان يخرج اليهم صاحبهم شابا و هم يحسبونه شيخا كبيرا»^۳.

۱. میرزا ابوالفضل گلپایگانی از افراد ممتاز فرقه ضاله بهایی محسوب می‌شود. وی در سال ۱۲۶۰، یعنی همان سال ظهور باب، در گلپایگان متولد شد. میرزا ابوالفضل گلپایگانی که در ابتدای جوانی در کسوت روحانیت به سر می‌برد، از طلاب فاضل بوده و به واسطه فقر و تنگدستی به آغوش بهائیت راه یافت. او نخست از طرف حسینعلی بهاء و سپس از طرف عباس افندی، به نوشتن کتاب‌های به اصطلاح استدلالی مأمور گشت، او همواره مورد تأیید میرزا حسینعلی نوری و پسرش عباس بود. (محمّدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ص ۸۲).

۲. وی در آن کتاب آیات قرآن و روایات اسلامی را تحریف و تأویل کرده، و با صدها توجیه التقاطی و مضحک، آن‌ها را بر مسلک بابی و بهایی تطبیق نمود.

۳. ترجمه روایت در فرائد: «حضرت صادق^{علیه السلام} فرمود که چون قائم خروج فرماید، هر آینه مردم او را انکار نمایند؛ زیرا که رجوع می‌نماید به ایشان، درحالی که جوانی رسیده است. پس درنگ نمی‌کند و ثابت نمی‌ماند در ایمان به او، مگر کسی که خداوند میثاق او را در ذر اول أخذ فرموده باشد و نیز آن حضرت فرمود که أعظم بلیه این است که قائم در سین

و «بروفقی حدیث شریف، چون نقطه اولی^۱ عز اسمہ الاعلیٰ، در آغاز شباب و غضاغت غصن ظهور فرمود، ارباب قلوب مریضه بی‌درنگ آن حضرت را تکذیب کردند؛ چون قائم را پیر هزار ساله می‌پنداشتند، نه جوانی بیست و پنج ساله. این بود که چون ندای قائمیت آن حضرت ارتفاع یافت، فریاد جهالی که زمام امور ناس به ید ایشان است، بلند شد که وا دینا و شریعتا! اینک حضرت حجت در شهر جابلقای موهوم هزار ساله موجود است! این جوان شیرازی که در این قرن تولد یافته است، چه می‌گوید، چون خود را قائم موعود می‌نامد.» (گلپایگانی ۲۰۰۱م: صص ۵۶ - ۵۷).

گلپایگانی روایت ابو بصیر را به خاطر جوانی باب، بر او منطبق می‌سازد و این که او توسط مردمی که منتظر پیر هزار ساله‌اند، انکار می‌شود. او در ادامه، به علما توهین می‌کند و ادعایی را به آن‌ها نسبت می‌دهد. وی دومین روایت را از کافی می‌آورد:

«در کتاب کافی که از کتاب‌های معتبره شیعه است، بلکه از آن کتابی معتبرتر در فرقه اثنی‌عشریه یافت نمی‌شود؛ محمد بن یعقوب کلینی رحمته الله از حکم بن ابی نعیم نقل می‌کند: ...فقال: یا حکم کیف اکون انا و قد بلغت خمسا و اربعین و ان صاحب هذا الامر أقرب عهدا بالبن منی و اخف علی ظهر الدابه؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۳۶) اکنون قدری در این حدیث تدبر و تأمل فرما که حضرت ابی جعفر، به صراحت می‌فرماید که چون قائم علیه السلام ظاهر شود، سن مبارکش از چهل و پنج کم‌تر باشد و در عین شباب^۲ و ریعان جوانی^۳ و قرب عهد به شیرخوارگی ظهور فرماید و به این سبب است که از آن حضرت در حین

جوانی خروج می‌فرماید و مردم گمان می‌کنند که او باید در سن پیری و کبر سن خروج نماید.»

۱. منظور از نقطه اولی، سید علی محمد شیرازی ملقب به «باب» است.
۲. عین الشیء ای أجوده؛ یعنی بهترین بخش آن و عین شباب، یعنی بهترین وقت از دوران جوانی (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۲۰۳).
۳. ریعان کل شیء أفضله و اوله؛ پس ریعان جوانی، یعنی اول جوانی که بهترین اوقات جوانی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۴۶۸).

ظهور، در بسیاری از احادیث، به لفظ صبی و یا لفظ غلام و یا لفظ شابّ تعبیر شده است» (گلیپایگانی ۲۰۰۱م: صص ۵۷ - ۵۸).

گلیپایگانی با نقل این روایت پذیرفته است که سن قائم از ۴۵ کم‌تر است؛ اما نزدیک بودن به جوانی و شیرخوارگی را به روایت نسبت می‌دهد؛ در حالی که روایت با افعال التفضیل و نسبت به امام باقر (ع) است؛ یعنی امام فرموده است که از من نزدیک‌تر است. ایشان در ادامه به سه روایت دیگر اشاره می‌کند:

«چنان که مجلسی (ع) نیز در همین کتاب بحار الانوار، از ازدی روایت کرده است که او گفت: خدمت ابی عبدالله (ع) مشرف شدم: «فقلت له انت صاحبنا فقال انی لصاحبکم ثم أخذ جلدة عضده و مدها فقال انا شیخ کبیر و صاحبکم شابّ حدث»؛ یعنی به حضرت ابی عبدالله گفتم: آیا تویی صاحب ما؟ آن حضرت فرمود: من صاحب شما باشم؟! پس پوست بازوی خود را گرفت و کشید و فرمود: من پیر و کبیر شده‌ام؛ در حالی که صاحب شما، جوانی نو رسیده است.» نیز در این کتاب از ابی بصیر روایت کرده است که حضرت ابی عبدالله (ع) فرمود: «لیس صاحب هذا الامر من حاز اربعین»؛ (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۸۹)؛^۱ یعنی صاحب امر نیست کسی که سنش از چهل گذشته باشد. نیز مجلسی (ع) در این کتاب، در باب صفات قائم (ع) از یحیی بن سالم روایت کرده است که حضرت امام جعفر (ع) فرمود: «ان صاحب هذا الامر أصغرنا سنا و أجملنا شخصاً»^۲ قلت متی یکون قال اذا سارت الרכبان بیعة الغلام فعند ذلک یرفع کل ذی صیئة لواء»؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۴). یعنی صاحب این امر، کسی است که سنش از ما کم‌تر باشد و شخصش زیباتر. گفتم: چه وقت خواهد بود؟ فرمود: وقتی که مسافران به بیعت غلام، یعنی پسری به گردش آیند، در آن وقت هر صاحب قوه، علمی بر پا کند» (گلیپایگانی، ۲۰۰۱م، ص ۵۸).

۱. تعبیر در منبع روایت «جاز اربعین» است.

۲. تعبیر در منبع روایت «اجملنا» است.

ابوالفضل گلپایگانی به این پنج روایت تمسک کرده که قائم در سنّ جوانی ظهور می‌کند که این خصوصیت در سید علی محمد باب شیرازی وجود دارد، چراکه او در ۲۵ سالگی دعوت خود را آغاز نمود. اما آیا تطبیق این روایات بر باب صحیح است؟ پاسخ به این سؤال و برای روشن شدن مطلب، مستلزم آن است که بحث جامعی در باره سنّ آن حضرت صورت پذیرد و همه روایات مربوط به سن ایشان احصا شود.

به صورت کلی، در این مقاله به ۲۰ روایت از منابع شیعه و برخی روایات اهل سنت در مورد سنّ حضرت مهدی علیه السلام اشاره می‌شود. این روایات، حضرت را در ۳۰، ۳۲، ۴۰ و کم‌تر از ۴۰ سال و کم‌تر از ۴۵ سال دانسته؛ یا تعابیر متفاوتی همچون غلام، شاب، شابّ حدث، شابّ موفق، فتی که ظاهراً اشاره به مقطع سنی خاص اشاره دارد، در مورد ایشان وارد شده است. برای اثبات طول عمر حضرت، به ۱۱ روایت در مورد طول عمر و غیبت طولانی ایشان، در قالب یک نکته، اشاره می‌شود. در این مقاله به بررسی این موضوعات پرداخته و اثبات می‌کنیم که همه روایات، به‌رغم ظاهر متعارضشان، در مضمون واحد مشترک هستند و آن، این که حضرت در شمایل جوانی ظهور می‌کنند و در آخر مقاله، ادعای گلپایگانی پاسخ داده می‌شود.

قبل از شروع به بحث، بیان دو نکته الزامی است:

تکته اول: طول عمر و غیبت طولانی حضرت مهدی علیه السلام

موضوع طول عمر حضرت حجت علیه السلام، از مسلمات اعتقادی شیعه است که جای هیچ تردیدی در آن نیست. احادیث متعددی بر طول عمر و غیبت طولانی حضرت وارد شده که فحوای آن‌ها، بر طول عمر طبیعی حضرت دارای تواتر معنوی است. در ذیل به برخی از آن اشاره می‌شود:

أ. روایات طول عمر

در برخی از روایات به صورت صریح یا ضمنی به طول عمر آن حضرت اشاره شده است؛ از جمله این روایات:

۱. «... فی القائم مَنَّا سُنُّنٌ... فاما من آدم و نوحٍ فطولُ العمر...» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۲)؛^۱ امام زین العابدین علیه السلام: ... در قائم ما، اهل بیت، سنت‌هایی از پیامبران است... اما سنتی که از آدم و نوح دارد، طول عمر است...».

۲. «... حَتَّى تَقْسُوا الْقُلُوبَ لِطُولِ الْأَمَدِ...» (مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۳، ص ۱۵۲)؛ امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «... تا این که دل‌ها به دلیل طولانی شدن غیبت سنگ شود».

۳. «... تَأَمَّلْتُ فِيهِ مَوْلِدَ قَائِمِنَا علیه السلام وَ غَيْبَتَهُ وَ ابْطَاءَهُ وَ طُولَ عُمُرِهِ...» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۶۹)؛^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... در کتاب جفر، در ولادت قائم و غیبتش و تأخیر و طول عمرش نظر کردم».

۴. «... فَكَيْفَ السَّبِيلُ إِلَى انْكَارِ الْقَائِمِ لَغَيْبَتِهِ وَ طُولِ عَمْرِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ص ۲۵۲)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «... راهی به انکار قائم به جهت غیبت و طول عمرش نیست».

۵. «مَا تُنْكِرُونَ أَنْ يَمُدَّ اللَّهُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ فِي الْعُمُرِ كَمَا مَدَّ لِنُوحٍ فِي الْعُمُرِ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۱)؛

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آیا انکار می‌کنید که خداوند صاحب این امر را عمری طولانی بخشد، کما این که نوح را عمری بخشید؟!».

ب. روایات غیبت طولانی

۱. «... لَيَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۳۷۹)؛^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله در اوصاف حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: ... بعد از غیبت طولانی ظهور کند...

۱. سایر منابع: کمال الدین، ج ۲، ص ۵۷۷؛ اعلام الوری، ص ۴۲۷؛ الوافی، ج ۲، ص ۴۲۳؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۲.

۲. سایر منابع: طوسی الغیبه، ۱۶۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲؛ منتخب الانوار المضمین، ۱۸۱؛ الوافی، ج ۲، ص ۴۲۰؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۹۱؛ البرهان، ج ۴، ص ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۸.

۳. سایر منابع: کفایة الاثر، ص ۱۱ و عوالم العلوم، ص ۱۳۷.

۲. «...اما شَبَّهُهُ مِنْ مُوسَى فَدَوَّامُ خَوْفِهِ وَ طَوْلُ غَيْبَتِهِ وَ خَفَاءُ وِلَادَتِهِ...» (ابن بابویه: ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷)؛^۱ امام باقر علیه السلام در شباهت حضرت مهدی علیه السلام با پیامبران می فرماید: «...اما شباهت ایشان به موسی خوف مدام و طول غیبت و مخفی بودن ولادت است...».
۳. «...يكون له غيبة طويلاً يرجع عنها قومٌ و يثبتُ عليها آخرون...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳۳، ص ۱۸)؛^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف حضرت مهدی علیه السلام: «او دارای غیبتی طولانی است، به صورتی که گروهی از او برگشته و گروهی ثابت قدم می مانند».
۴. «...له غيبة طويلاً يُظهِرُ اللهُ تعالى به الاسلام...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳۶، ص ۳۴۹)؛^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله در وصف حضرت مهدی علیه السلام: «او دارای غیبتی طولانی است که خداوند به واسطه او، اسلام را ظاهر می کند».
۵. «... و ذلك بعد غيبة طويلاً ليعلم الله من يطيقه بالغيب» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۱۹۲)؛^۴ امام باقر علیه السلام: امر ظهور بعد از غیبتی طولانی است تا خداوند بندگان را به صبر بر غیب آزمایش کند.
۶. «... سَيُؤَلِّدُ وَ يَغِيبُ عَنِ النَّاسِ غَيْبَةً طَوِيلَةً» (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۱۹۶)؛ امام حسن عسکری علیه السلام: ...به زودی به دنیا خواهد آمد و از مردم غیبتی طولانی می کند. از مجموع این روایات و سایر روایاتی از نقل آن به علت ضیق مجال صرف نظر شد، تواتر معنوی طول عمر حضرت، به خوبی قابل اثبات است، پس قطعاً هنگام ظهور، حضرت دارای عمری بلند و طولانی است. بنابراین، از لحاظ عمر طبیعی، حضرت نمی توانند در سن چهل یا کمتر باشند؛ هرچند با لحاظ سایر روایات، آن حضرت دارای این گونه شمایی هستند.

۱. سایر منابع: اعلام الوری، ص ۴۲۹؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۸۳ و کشف الغمة، ج ۲، ص ۵۲۳.

۲. سایر منابع: البرهان، ج ۵، ص ۴۴۸؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۷ و الزام الناصب، ج ۱، ص ۹۵.

۳. سایر منابع: اثبات الهداة، ج ۲، ص ۱۷۶؛ الانصاف، ص ۱۰۹؛ عوالم العلوم، ص ۴۷؛ مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۱۷۴.

۴. سایر منابع: اعلام الوری، ص ۴۶۴؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۵۳۵؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۴۷؛ الوافی، ج ۲، ص ۴۶۵؛ ریاض الابرار، ج ۸، ص ۳۵۴؛

تکته دوم: سنّ حضرت، زمان رسیدن به امامت:

برخی از روایاتی که سنّ حضرت را بیان می‌کند و مورد تمسک ابوالفضل گلیایگانی بود؛ به سنّ آن حضرت هنگام ظهور ارتباط ندارد؛ بلکه با توجه به قرائن درون متنی و قرائن خارجی، این روایات به خردسالی و دوران پیش از امامت حضرت مربوط می‌باشد. برخی از این روایات، آن حضرت را کم‌سال‌ترین ائمه علیهم‌السلام دانسته‌اند:

۱. روایت ابی جارود از امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «الأمْرُ فِي اصْغَرِنَا سِنًا أَحْمَلِنَا ذِكْرًا» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۲۲)^۱

امر امامت در کم‌سال‌ترین ما و گمنام‌ترین ما است.

۲. این روایت به گونه دیگری نیز نقل شده است: «لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ إِلَّا فِي أَحْمَلِنَا ذِكْرًا وَ أَحْدِثْنَا سِنًا» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۳)^۲؛ این امر نمی‌شود، مگر در گمنام‌ترین ما و کم‌سال‌ترین ما.



۱. این روایت با دو طریق نقل شده که طریق اول آن معتبر می‌باشد: ابی الجارود، هرچند زیدی مذهب است، مرحوم خوئی روایتش را بنا بر توثیق اسناد کامل الزیارات پذیرفته است (معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۳۲۴)؛ اما از این مبنا در اواخر عمرشان رجوع کرده‌اند؛ ولی از آن‌جا که اجلاء رواة از ابی الجارود روایت کرده‌اند و او صاحب یکی از اصول اربعه مأه است؛ شاید بتوان روایاتش را پذیرفت. محمد بن سنان الزاهدی: در او اختلاف شده، اما کشی او را امامی صحیح المذهب دانسته است؛ (رجال کشی، ص ۵۰۸) هم‌چنین (منتهی المقال، ج ۶، ص ۶۵؛ محمدبن الحسین بن ابی الخطاب، معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۲۹۱؛ عبیدالله بن موسی العباسی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۸۶ و علی بن احمد بن اشیم، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۵۰۱).

۲. راویان این روایت غیر از محمد بن جعفر، همگی دارای وثاقت هستند (ابی الجارود، معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۳۲۴؛ محمد بن سنان الزاهدی، رجال کشی، ص ۵۰۸؛ محمدبن الحسین بن ابی الخطاب، معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۲۹۱؛ محمد بن جعفر؛ مجهول، عبد الواحد بن عبدالله بن یونس الموصلی، رجال طوسی، ص ۴۳۱ و خلاصه، علامه حلی، ص ۱۲۸).

۳. این مضمون در روایت صحیحہ یحیی بن سالم نیز آمده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۴).^۱ از آن جا که امام هادی علیه السلام در ۹ سالگی و امام جواد علیه السلام در ۸ سالگی به امامت رسیده‌اند، رسیدن امر امامت به کسی که کم‌سال‌ترین ائمه علیهم السلام است، اشاره به امامت رسیدن حضرت حجت در کم‌تر از ۸ سال است؛ یعنی همان قول که ایشان قبل از ۵ سالگی به امامت رسیده‌اند.

در برخی دیگر از روایات به کودک بودن حضرت اشاره شده است:

۴. از جمله روایت ابو بصیر: «ایکون ان یفضی هذا الامر الی من لم یبلغ؟ قال سیکون ذلک» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۲۳): آیا می‌شود که این امر به کسی برسد که به حد بلوغ نرسیده است؟ فرمود: این کار خواهد شد (نعمانی، ۱۳۶۲: ص ۳۸۱).

از آن جا که منظور از واژه امر، امر خطیر امامت، چه در دوران غیبت و چه در زمان حضور امام است؛ زمان رسیدن امام زمان به امر، در خردسالی ایشان می‌باشد. بنابراین، برخی از روایاتی که به کمی سن حضرت اشاره دارد، به این معنا نیست که حضرت هنگام ظهور، کم سن و سال و یا خردسال هستند؛ بلکه این روایات به زمان رسیدن به امامت اشاره دارد که حضرت در خردسالی حائز مقام ولایت و امامت می‌شوند.

دسته بندی روایات سن حضرت بعد از ظهور

در روایات متعددی، به سن حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور اشاره شده است. بنا بر تفحصی که در مجامع روایی شیعی و سنی انجام شد، به ۱۶ روایت در خصوص سن حضرت

۱. دیگر منابع: دلائل الامامة، ص ۴۸۱ و اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۷.

این روایت صحیحہ است. (محمد بن ابی بکر همام بن سهیل الاسکافی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۳۳؛ جعفر بن محمد بن مالک الفزازی، رجال طوسی، ص ۴۱۸، تنقیح المقال، ج ۱۶، ص ۴۱؛ عباد بن یعقوب الرواجنی، معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۱۹ و یحیی بن سالم، معجم رجال الحدیث، ج ۲۰، ص ۵۲. یحیی بن سالم، ثقه زیدی مذهب می‌باشد؛ اما روایتش از امام باقر علیه السلام به دوره امامی بودنش مربوط است؛ لذا روایت صحیحہ است، یعنی همه راویان امامی ثقه‌اند).

- بعد از ظهور دست یافتیم. این روایات به سه دسته تقسیم می‌شوند:
- الف. دسته‌ای از روایات القاب و صفاتی را برای حضرت برمی‌شمرد که حاکی از مقطع سنی خاصی است؛ مثل شابّ و غلام؛
- ب. دسته دیگر سنّ خاصی را برای ایشان ذکر کرده‌اند؛
- ج. گروهی دیگر از روایات به شمایل ظاهری حضرت اشاره دارند.

دسته اول: تعابیر حاکی از مقطع سنی خاص

۱. غلام:

۱. روایت زراره از امام صادق علیه السلام: «... لا بدّ للغلام من غيبة...» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۴۲).
۲. روایت یحیی بن سالم از امام باقر علیه السلام: «... اذا سارت الركبانُ ببيعة الغلام...» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۴)

از لحاظ لغت، غلام، یعنی فرزند کوچک (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۶، ص ۱۲۷)^۱ و کسی تازه مو بر صورتش جوانه زده (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۳۷۸) و محدوده زمانی ولادت تا جوانی را شامل می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۴۴۰ و حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۷، ص ۵۲۰)^۲ اما مجازاً بر مرد بزرگسال نیز غلام اطلاق می‌شود (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۴۵۲)^۳ و به اعتبار نجابت، به پیرمرد نیز غلام اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۴۴۰).

بنابراین، روایاتی که با تعبیر غلام از حضرت یاد کرده است، به نکته دوم، یعنی زمانی قبل از غیبت و خردسالی حضرت و اشاره به زمان رسیدن به امامت ملحق است و یا این‌که مجازاً بر حضرت، اطلاق شده، به اعتبار آغاز دوره غیبت، که حضرت در کودکی به امامت رسیده‌اند غلام اطلاق می‌شود و یا این‌که به اعتبار نجابت حضرت است.

۱. الغلام الابن الصغير

۲. من حين ان يولد الى ان يشبّ

۳. يطلق (الغلام) على الرجل (الكبير) مجازاً باسم ما كان عليه قال الازهرى سمعتهم يقولون للكهل غلام

۲. فتی:

روایت علی بن عمر از امام صادق علیه السلام: «...يُظْهَرُ فِي صُورَةِ فَتَى مُوَفَّقٍ...» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۰).^۱

فتی در لغت: اصل آن طراوت و نبودن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۴۷۳) و جوانی را گویند که نیرومند شده و به کمال رسیده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۹، ص ۲۸)^۲ و موفق به معنای رشید (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ص ۴۸۷) و کسی که دارای تناسب اعضا است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۲۴۷). بنابراین، فتی موفق، به معنای جوانی است که نیرومند، کامل و متناسب الاعضا باشد.

علامه مجلسی رحمته الله در ذیل این روایات، شابّ موفق را انسانی با اعضایی همگون و معتدل الخلقه دانسته و احتمال داده که این لفظ، تعبیری کنایی از اواسط دوره جوانی، بلکه اواخر آن است؛ یعنی دوره‌ای که انسان به تحصیل کمال موفق می‌شود و به اعتدال می‌رسد، در انتهای دوره جوانی می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۲۸۷). بنابراین، روایت در مقام تبیین وضعیت جسمی است؛ یعنی ایشان در سیمای جوانی نیرومند با تناسب بدنی ظاهر می‌شوند و یا این که به سن کمال اشاره دارد که در اواخر دوره جوانی حاصل می‌شود.

۳. شابّ:

در ۹ روایت از حضرت حجت علیه السلام به شابّ و مشتقات آن تعبیر شده که به برخی از روایات اشاره می‌شود:

۱. روایت محمد بن مسلم تقفی^۳ از امام باقر علیه السلام: «...وهو شابّ بعد کبر السنّ...» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷).^۴

۱. این روایت در گونه سوم از دسته دوم بررسی می‌گردد.

۲. هو الشاب الذي شبّ و قوی... قال القتیبی: ...انما هو بمعنی الكامل الجزل من الرجال

۳. روایت از حیث سند دارای ضعف است چراکه اسماعیل بن علی القزوینی مهمل است (تنقیح المقال، تحقیق: محی‌الدین مامقانی، ج ۱۰، ص ۲۵۲)

۴. سایر منابع: کشف الغمه، ج ۲، ۵۲۳؛ منتخب الانوار، ص ۱۷۶؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۸۳ و

۲. روایت اباصلت هروی از امام رضا (ع): «...يكون شيخ السن، شاب المنظر...» (ابن بابويه (شيخ صدوق)، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۲).
۳. روایت اُزدی^۲ از امام صادق (ع): «...انا شيخ كبير و صاحبكم شاب حدث» (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۴۴).
۴. روایت ابی بصیر^۴ از امام صادق (ع): «...يرجع إليهم شاباً موقفاً...» (شيخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۰).
۵. روایتی از امام صادق (ع): «...رجوعه من غيبته بشرخ الشباب» (شيخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۱).

معنای لغوی:

اصل شاب، رشد و قوای جسمی زیاد است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۷۷). مصباح المنیر، شاب را، شامل محدوده سنی قبل از پیری می‌داند (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۰۲): یعنی

....»

- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.
۱. روایت از حیث سند معتبر است بررسی آن در دسته سوم خواهد آمد.
۲. روایت صحیح و معتبر است (بکر بن محمد الأزدی: امامی ثقة جلیل (رجال کشی، ۵۹۲ الخلاصه، ص ۲۶): احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد الأشعری امامی ثقة جلیل؛ عبدالله بن جعفر حمیری، صاحب قرب الاسناد.
۳. منبع دیگر: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.
۴. روایت از حیث سند در هر چهار طریق ضعیف است. در طریق اول: علی بن ابی حمزه و فرزندش، حسن از واقفین ضعیف هستند (معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۱۵) هرچند علی بن ابی حمزه دارای ضعف کمتری است و شیخ طوسی در العده به روایت او عمل کرده است. حسن بن علی عاقولی توثیق نشده است. طریق دوم و سوم: محمد بن علی الکوفی رمی به غلو شده و ضعیف است (کشی، ۵۴۶؛ خلاصه، ۲۵۳ و رجال نجاشی، ص ۳۳۳) و طریق چهارم مرفوعه است و سلسله روات معلوم نیست.
۵. این روایت مقطوع و بدون سلسله سند و کاملاً ضعیف است. (دیگر منبع: منتخب الانوار المزیئه، ص ۱۸۸).

کسی که پیر و کهنسال نباشد، شابّ است. و شابّ حدث، به معنای فتی است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۳۲۵ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۳۲) و «فتی» به معنای جوانی است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۱۹۰). شابّ حدث، یعنی دوره جوانی. موفق به معنای رشید (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ص ۴۸۷) و تناسب اعضا است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۲۴۷) و شرح الشباب، یعنی دوره‌ای از جوانی که دارای شادابی و قدرت می‌باشد؛ لذا بر ابتدای جوانی اطلاق می‌شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۲۸۲).

بنابراین، شابّ در لغت به معنای انسان نیرومند با تناسب بدنی، در محدوده سنی قبل از پیری است و شابّ حدث در لغت اشاره به دوره جوانی است. پس، شابّ حدث، بر خلاف ادعای گلیپاگانی، به معنای جوان نارس است.

شابّ حدث در استعمال:

همان طور که در معنای لغوی روشن شد، شابّ شامل محدوده سنی قبل از کهنسالی می‌شود؛ لذا شابّ حدث، نه تنها به جوان نارس اطلاق می‌شود، بلکه به کسی که در انتهای دوره جوانی خویش است نیز به کار می‌رود. برای روشن شدن این امر کافی است به مستندات تاریخی، روایی، رجوع و موارد استعمال و وسعت محدوده استعمال شابّ حدث بررسی شود.

شابّ حدث در مورد سن‌های زیر استعمال شده:

۱. زیر ۵ سال: صاحب شرح الاخبار از امام زمان قبل غیبت، به حدث السن تعبیر می‌کند (ابن حیون، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۲۰).^۱

۲. ۱۸ سال: در روایتی از امام حسن علیه السلام در قضیه گماشتن عتاب بن اسید به جانشینی پیامبر بر اهل مکه، که آن‌ها به حدائث سن او معترض بودند: «... ان محمدا لا یزال یتخف بنا حتی ولی علینا غلاما حدث السن ابن ثمانی عشرة سنه...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۱، ص ۱۲۲).

۱. کذلک کان المهدیُّ لما قام بالامامة، و سلّمها إليه إمامُ الزمانِ الذی کان فی عصره و نصَّ علیه بأنّه مهدیُّ الائمة، و دَعَتْ بذلک إليه دعاته. و هو یومئذٍ حدّث السن.

۳. ۱۹ سال: حُضَيْنُ بنِ مَنْذَرِ بْنِ ۱۹ ساله، در جنگ صفین، پرچمدار لشکر امیر المومنین (علیه السلام) بود:

«كَانَ الْحُضَيْنُ يَوْمَئِذٍ شَابًا حَدَّثَ السَّنَّ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۲۲۶).

۴. زیر ۲۰ سال: در حکایتی از احمد بن محمد بن سلیمان: «و انا حیثئذ حدث السن اذ

ذاک دون العشرین» (طوسی الغیبه، ۱۴۱۱: ص ۳۰۴).

۵. ۲۵ سال: قول اُحْبَارِ یَهُودِ به خدیجه درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) قبل از ازدواج: «...مَرَّ الْآنَ بِبَابِكَ

شَابٌ حَدَّثَ السَّنَّ...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۶، ص ۲۰).

۶. ۲۸ سال: نامه امیرالمومنین به مالک اشتر در مورد محمد بن ابی بکر بعد از شورش اهل

مصر: «...و هو غلامٌ حَدَّثَ السَّنَّ لیسَ بَدِي تَجْرِبَةً...» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۶،

ص ۷۴) روایتی از امیر المومنین در حکایت از سفر تبلیغی ایشان به یمن در سال هشتم

هجری: «بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْيَمَنِ... اَنَا حَدَّثَ السَّنَّ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۸،

ص ۱۲).

۷. ۲۹ سال: امیرالمومنین در اواخر سال نهم هجری به بردن آیات براءت مأمور می شود: «لما

أمرني رسول الله (صلى الله عليه وآله) بأن ألق أبا بكر، فأخذ منه براءة، و أمضى بها في أهل مكة،

فأقرأها عليهم، و أودى عنه إليهم. قلت: يا رسول الله، إني لست بالخطيب،

و انا رجل حدث السن...» (ابن حيون، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۱۷۹).

۸. ۳۰ سال: «يوسف در زندان» «...فَلَمَّا رَأَاهُ الْمَلِكُ شَابًا حَدَّثَ السَّنَّ...» (مجلسی، ۱۴۰۴:

ج ۱۲، ص ۲۳۲).

۹. ۳۳ سال: در قضیه مخالفت امیرالمومنین (علیه السلام) با ابوبکر بعد از وفات پیامبر: «... فَقَالَ

لَهُ أَبُو عُبَيْدَةَ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّكَ حَدَّثَ السَّنَّ وَ هُوَ لَأَمْشِيخَةٌ قُرَيْشٍ...» (مجلسی،

۱۴۰۴: ج ۲۸، ص ۳۸۴) و: «...فَقَامَ أَبُو عُبَيْدَةَ إِلَيَّ عَلَى فَقَالَ يَا ابْنَ عَمٍّ لَسْنَا نَدْفَعُ

قَرَابَتَكَ وَ لَا سَابِقَتَكَ وَ لَا عِلْمَكَ وَ لَا نُصْرَتَكَ وَ لَكِنَّكَ حَدَّثَ السَّنَّ وَ كَانَ

لِعَلِيِّ (علیه السلام) يَوْمَئِذٍ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ سَنَةً...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۸، ص ۱۸۵).

۱۰. ۵۰ سال: شیخ صدوق در مجلس درس بغداد: «كان ورد بغداد سنة خمس و خمسين

و ثلاثمائة و سمع منه شیوخ الطائفة و هو حدث السن» (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۹۰).

نتیجه دسته اول:

تعبیر، در این دسته با بررسی مجموع روایات، بدین قرار است:

۱. غلام: این تعبیر یا به ایام به امامت رسیدن امام مربوط است؛ یا مجازاً بعد از ظهور بر

ایشان اطلاق می‌شود که در این صورت، به سنی خاص محدود نمی‌شود.

۲. شاب: شامل محدوده سنی گسترده قبل از پیری می‌شود و تعبیری که در مورد حضرت

حجّت علیه السلام وارد شده است، اصلاً به سنّ خاصی اشاره ندارد.

۳. شابّ حدث: شابّ حدث به دوره جوانی اشاره دارد و به معنای فتی است که بر مرد کامل

اطلاق می‌شود و مقصود، محدوده‌ای از دوره جوانی است که جوان کامل نیرومند و با

تناسب بدنی است. علاوه بر آن، با توجه به کاربردهای شابّ حدث که بیان شد، این‌گونه

نیست که شابّ حدث فقط بر ابتدای جوانی استعمال شود و لذا تعیین آن در سن ۲۵ سال

برای باب شیرازی باطل است.

۴. شابّ موفق و فتی موفق: منظور محدوده سنی جوانی است که انسان به اوج کمالات

خلقی و خلقی می‌رسد که در این مقطع در توانمندی و در اوج شادابی و نشاط جوانی به

سر می‌برد؛ کما این که از معنای لغوی فتی موفق و شابّ موفق، چنین نکته‌ای متبادر

می‌شود. علامه مجلسی نیز آن را به اواخر دوره جوانی که به طور عادت کمال حاصل

می‌شود، مربوط دانسته است.

۵. شرح شباب: این واژه علاوه بر ابتدای جوانی، بر دوره قدرت و نیروی جوانی استعمال می-

شود.

آنچه از مجموع این تعابیر به دست می‌آید، این است این تعابیر در حق حضرت یا عام است

و شامل محدوده گسترده‌ای از جوانی می‌شود؛ یا به دوره‌ای از جوانی مربوط است که جوان

دارای مهارت‌های بالای روحی و جسمی است که عادتاً در اواخر دوره جوانی حاصل می‌شود.

دسته دوم: روایاتی که سنی خاص در آن ذکر شده است:

در گروهی از روایات به سنّ خاصی برای حضرت حجّت، اشاره دارد. این روایات بر سه

گونه‌اند:

گونه اول: روایاتی است که سن ایشان را از سن معینی کم تر می‌داند که آن شامل دو روایت است:

۱. کم تر از چهل سال: روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام «...لَيْسَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ جَازٍ أَرْبَعِينَ» (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۸۹ و مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۳۱۹). به همین مضمون روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «رُويَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لَيْسَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ [مَنْ جَازٍ مِنْ أَرْبَعِينَ] صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الْقَوِيُّ الْمَشْمُورِ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۱۹).

۲. کم تر از چهل و پنج سال: روایت حکم بن نعیم از امام باقر علیه السلام: «كَيْفَ أَكُونُ أَنَا وَ قَدْ بَلَغْتُ خُمْسًا وَ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ انْ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ أَقْرَبُ عَهْدًا بِاللَّيْنِ مِنِّي وَ أَخْفُ عَلَى ظَهْرِ الدَّابَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۳۶).^۳ این که امام باقر علیه السلام، صاحب الامر بودن خود را به دلیل چهل و پنج ساله بودن از خود بعید می‌شمردند و صاحب الامر را چابک تر از خود می‌دانند؛ گویای این است که صاحب الامر از چهل و پنج سال کم تر دارد.

گونه دوم: تعیین سن خاص (چهل ساله) برای حضرت است، که این، تنها در یک روایت از منابع اهل سنت وجود دارد و اگر در منابع روایی شیعه وارد شده باشد، به نقل از منابع

۱. سند این روایت صحیح و معتبر می‌باشد: ابراهیم بن هاشم ثقة و جلیل، ابی عبدالله محمد بن خالد برقی ثقة (طوسی، الرجال، ص ۳۶۳)، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از اصحاب اجماع (طوسی، الرجال، ص ۳۵۱)، ابی ایوب الحذاء تصحیف شده و با توجه به نسخه حلیه الابرار ایشان ایوب بن عطیه الحذاء می‌باشد و ثقة (قاموس الرجال، ج ۲، ص ۲۴۱)، ابی بصیر امامی (نجاشی، رجال، ص ۲۹۰).

۲. سند روایت ضعیف است به خاطر زید ابی الحسن که غیر معلوم است (تنقیح المقال، تصحیح محی الدین مامقانی، ج ۲۹، ص ۹۷)؛ اما بقیه روایات امامی و ثقة هستند و حکم بن ابی نعیم، حکم بن عبد الرحمان ابی نعم البجلی می‌باشد و ثقة. منهج المقال، ص ۱۲۱.

۳. دیگر منابع: الوافی، ج ۲، ص ۴۷۵، مرآة العقول، ج ۶، ص ۲۴۱، اثبات الوصیة، ۱۷۸، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۱.

روایی اهل سنت است:

روایت ابی امامة از پیامبر ﷺ: «... المهدیُّ من ولدی ابن اربعین سنة...» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۸۷).

این روایت، در منابع اهل سنت با تعبیر رجل به کار رفته است، اما در منابع شیعه با تعبیر «المهدی» آمده است. با این حال، با توجه به قرائن درون متنی، از جمله استخراج گنجینه‌های زمین و فتح بلاد شرک روشن است که منظور از رجل، مهدی موعود ﷺ است. گونه سوم: روایاتی است که سن معینی را برای حضرت تعیین نمی‌کند؛ بلکه ایشان را در شمایل و ظاهر سنی خاص، معرفی می‌کند. این روایات گویای آن نیست که حضرت چه سنی دارد؛ بلکه سیمای ظاهری ایشان را بیان می‌کند:

۱. در شمایل مردی سی ساله^۲: روایت علی بن عمر از امام صادق علیه السلام: «... یظهر فی صورة... ابن ثلاثین سنة...» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۰)
۲. در شمایل مردی سی و دو ساله: همان روایت در نقلی دیگر: «... یظهر فی صورة... ابن اثنتین و ثلاثین سنة...» (نعمانی الغیبه، ۱۳۹۷: ص ۱۸۹).

۱. این روایت از طریق اهل سنت وارد شده و در منابع شیعه مثل کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۷؛ سید بن طاووس در التشریف بالمنن، ص ۲۸۱؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۲۳؛ الوافی، ج ۲، ص ۴۶۸؛ بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۲؛ حلیة الابرار، ج ۶، ص ۴۵۷ و الزام الناصب ج ۱ ص ۱۵۲، نقل گشته اما کتاب‌های اهل سنت: لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۴۴۴؛ الاصابة فی معرفة الصحابة، ابن حجر العسقلانی، ج ۳، ص ۴۰۷؛ ابن اثیر، اسد الغابة، جزء ۳، ص ۶ المکتبة الشاملة، الفتاوی الحديثة، لابن الحجر الهیتمی، ج ۱، ص ۸۰؛ جامع الاحادیث، سیوطی، حرف السین، ج ۱۳، ص ۲۶۲ و عقد الدرر، ص ۷. این روایت در نقل‌های مختلف تفاوت‌هایی دارد. آنچه در کتاب‌های شیعی وارد گشته برخی با نقل کتاب الاصابة توافق دارد؛ همچون کشف الغمة و برخی با نقل عقد الدرر شباهت دارد.

۲. این دو روایت (۳۰ و ۳۲ ساله) که دارای سندی واحد و مضامین مشترک هستند از حیث سند دچار ضعف است چراکه توثیقی برای علی بن عمر و عمر بن طرخان وجود ندارد و محمد بن اسماعیل مجهول است. آقای غفاری مصحح کتاب نعمانی در روایت دوم احتمال تصحیف داده است (نعمانی، ص ۱۸۹).

۳. در شمایل مردی با کم‌تر از چهل سال: روایت حسن بن علی رضی الله عنه: «... فی صورة شابّ دون اربعین سنة...» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۶).^۲

۴. مردی چهل ساله گمان می‌شود: روایت اباصلت از امام رضا رضی الله عنه: «... لیحسبه ابن اربعین سنة او دونها...» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۲).^۴

نتیجه روایات دسته دوم:

اولاً: در هیچ یک از این روایات، سن چهل، برای حضرت عجل الله فرجه تعیین نشده است؛ غیر از روایتی که از منابع اهل سنت نقل شده بود؛ بلکه در این روایات از تعبیر «فی صورة» یعنی به شکل و شمایل جوان چهل ساله استفاده شده؛ یا با تعبیر «گمان می‌شود مردی چهل ساله است». عنوان گردیده است.

ثانیاً: از هشت روایت این بخش، فقط دو روایت ابا بصیر و اباصلت سنداً معتبر است؛ که در این دو روایت به سن حضرت تصریح نشده است؛ بلکه شمایل حضرت را بیان می‌کند.

از آن‌جا که تواتر معنوی روایات بر طول عمر حضرت مهدی عجل الله فرجه قطعی است و عدد چهل به قرینه روایات عدد کمال است؛^۵ ممکن است روایاتی که به چهل تعبیر کرده است؛ به کمال

۱. در سند روایت، غیر از پدر سدیر صیرفی (حکیم بن صهیب) که چیزی در شرح حال او بیان نشده بقیه روات ثقه هستند. اگر از ظاهر کلام شیخ توثیق استفاده شود روایت موثقه می‌شود. شیخ طوسی در الرجال او را از اصحاب علی بن الحسین علیهما السلام دانسته، ص ۱۱۳. البته تنقیح المقال وثاقت او را بعید دانسته است: ج ۲۳، ص ۴۴۲.

۲. دیگر منابع: کفایة الاثر، ص ۲۲۴؛ اعلام الوری، ص ۳۰۱؛ الاحتجاج، ص ۲۸۹.

۳. سند معتبر است و بررسی اعتبار آن در دسته سوم ذکر خواهد شد.

۴. دیگر منابع: اعلام الوری، ص ۴۳۵؛ خرائج، ص ۱۱۷۰؛ منتخب الانوار، ص ۳۸؛ الوافی، ج ۲، ص ۴۶۶؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۵۰؛ حلیة الانوار، ج ۶، ص ۲۵۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵ و ریاض الابرار، ج ۳، ص ۱۷۹.

۵. اربعین در روایات: عدد چهل عدد کمال هر چیز و سن چهل، سن کمال انسان می‌باشد. لذا پیامبران الهی که تحت تربیت خداوند بوده اند، در این سن به رسالت نائل می‌گشتند؛ حتی ادعا شده بعضی از صفات حمیده با عدد چهل به کمال رسیده و در این عدد، صفات رذیله

حضرت حین ظهور اشاره داشته؛ لذا سن چهل هیچ خصوصیتی ندارد؛ یعنی لزوماً حضرت ﷺ در این سن ظهور نمی‌کنند.

دسته سوم: روایاتی که به برخورداری حضرت از شمایل جوانی اشاره دارد.

بیشترین روایاتی که درباره سن حضرت ﷺ وارد شده یا در این دسته است، یا به این دسته انصراف دارد. با این توضیح که بسیاری از روایاتی که به مقطع سنی خاص اشاره دارد (یعنی روایات دسته اول)، یا سن خاصی را برای حضرت ذکر کرده، (یعنی روایات دسته دوم)؛ دارای واژه‌های «فی صورة»، «منظر»، «لیحسبه»، «بعد کبر السن»، «شیخ السن» است که به شمایل و شکل ظاهری اشاره دارد و سن طبیعی خاصی منظور نیست؛ بلکه حضرت را دارای سن طولانی می‌داند. این روایات به ظاهر حضرت در زمان ظهور اشاره دارد که هرچند صراحتاً سن حضرت در وقت ظهور بیان نشده است؛ به سیما و منظر حضرت در جوانی اشاره دارد:

ظاهر و قیافه جوان

۱. منظر الشبان: روایت ریان بن صلت از امام رضا علیه السلام: ^۱ «...فی سن الشیوخ و منظر الشبان...» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۶).

۲. شاب المنظر: روایت اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام: ^۲ «...علامته ان یكون شیخ السن،

...

در انسان نهادینه می‌شود.

۱. روایت صحیح السنند و معتبر می‌باشد. احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی: امامی ثقه، (حلی، الخلاصه، ص ۱۹)؛ علی بن ابراهیم (رجال نجاشی، ص ۲۶۰) ابراهیم بن هاشم (نجاشی، ص ۹۶) ریان بن صلت الأشعری (رجال نجاشی، ص ۱۶۵ و رجال طوسی، ص ۳۵۷).

۲. روایت از حیث سند معتبر و قابل استناد می‌باشد: ابا الصلت عبد السلام بن صالح الهروی امامی ثقة رجال کشی ۶/۵، خلاصه ۱۱۷، احمد بن علی بن مهدی بن صدقة بن هشام بن غالب بن محمد بن علی الانصاری الرقی: یكون ارجل من الحسان، مامقانی تنقیح المقال، تصحیح محی الدین، ج ۷، ص ۲۶؛ وحید بهبهانی ایشان را به خاطر شیخ اجازه بودن توثیق می‌کند. منتهی المقال، ج ۱، ص ۲۹۷؛ ابو العباس محمد بن ابراهیم بن اسحاق الطالقانی: از اصحاب حسین بن روح نوبختی و از مشایخ صدوق، بنا بر تحقیق، ثقه است. اکثر الصدوق

شابُّ المنظر...» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۲)^۱

۳. فی صورة الشاب: روایت امام حسن علیه السلام «فی صورة شاب»^۲ و سایر روایاتی که در آن تعبیر «فی صورة» آمده است؛ مثل اکثر روایات دسته دوم و روایت علی بن عمر در دسته اول.

عدم تأثیر گذشت ایام

۴. روایت اباصلت: «...ان من علامته ان لا یهرم بمُرورِ الايام و اللیالی...»^۳.

نداشتن موی سفید

۵. روایت از امام باقر علیه السلام: انه قال: «یقوم المهدی و لیس فی رأسه و لا لِحیتِه طاقةٌ بیضاء»^۴ (ابن عیون، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۳۸۰).

این دسته شامل روایات دسته‌های دیگر نیز می‌شود؛ یعنی بخش عظیمی از روایاتی که در دسته‌های متفاوت ذکر شد، در این دسته جا می‌گیرد. بنابراین، می‌توان گفت بیش‌تر روایاتی که درباره سن حضرت علیه السلام وارد شده است، در مقام بیان شمایل ظاهری حضرت در وقت ظهور می‌باشد؛ نه تعیین سن؛ یعنی ایشان با این‌که غیبتی طولانی مدت داشته‌اند؛ در سیمای جوانی نیرومند ظاهر می‌شوند.

نقد ادعای ابوالفضل گلپایگانی

با در نظر گرفتن آنچه در بحث روایات گفته شد، بطالان ادعای گلپایگانی در کتاب فرائد روشن است؛ چرا که مجموع این روایات با تبیینی که انجام شد، بر علی محمد

....»

من الروایه عنه مترضیا مترحما منتهی المقال، ج ۵، ص ۲۸۵.

۱. سایر منابع: منتخب الانوار، ص ۳۸، الوافی، ج ۲، ص ۴۶۶؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۵۰؛ حلیة

الابرار، ج ۶، ص ۲۵۵؛ بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۵ و ریاض الابرار، ج ۳، ص ۱۷۹.

۲. این روایت در دسته دوم مطرح شد.

۳. همان روایت ابا صلت که گذشت.

۴. این روایت تنها در کتاب شرح اخبار، ج ۲، ص ۳۸۰، بدون سلسله سند وارد شده است.

بنابراین، سند روایت، ضعیف است.

شیرازی قابل تطبیق نیست. پس، برای بهره‌گیری از روایات حدیث سن قائم برای باب، جایی باقی نخواهد ماند. اما جدا از این مطلب، در بیانات ابوالفضل گلپایگانی ملاحظاتی وجود دارد که به برخی اشاره می‌شود:

۱. صرف جوان بودن نمی‌تواند نشانه‌ای تعیین کننده بر مهدی موعود^{علیه السلام} باشد؛ یعنی حتی اگر نحوه تمسک ابوالفضل گلپایگانی به روایات را بپذیریم، جوانی حضرت، هنگام ظهور، از علائم عمومی مهدی موعود^{علیه السلام} است و قطعاً هر جوانی که ادعای مهدویت کند، مهدی نیست. پس، کلام ایشان^۱ که این احادیث را به خاطر جوانی باب بر او منطبق می‌سازد، کاملاً بی‌اساس است.

۲. اولین روایتی که گلپایگانی به آن تمسک می‌کند، تعبیر شابّ موفق دارد. همان‌طور که ملاحظه شد، شابّ موفق، به معنای جوان کامل متناسب الاعضا است که به ادعای مرحوم مجلسی به اواخر دوره جوانی مربوط است. لذا بر باب قابل تطبیق نیست.

۳. در روایت اول تعبیری وجود دارد که مکرر مورد تمسک گلپایگانی قرار می‌گیرد (وَفِي غَيْرِ هَذِهِ الرَّوَايَةِ أَنَّهُ قَالَ لِلْبَيْهَقِيِّ وَإِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًّا وَهُمْ يَحْسِبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا... از بزرگ‌ترین بلاها این است که حضرت صاحب در جوانی ظهور می‌کند، در حالی که مردم او را شیخ کهنسالی گمان می‌برند) در باره این بخش از روایت چند نکته حائز اهمیت است:

اول این‌که: این روایت دارای چهار طریق است^۲ و تنها در یک نقل (نعمانی، الغيبة، ص ۱۸۸)، این تعبیر وارد شده است که اعراض محدثین از نقل آن در سه طریق دیگر، حاکی

۱. واز احادیثی که بر حدیث سن مبارک و ظهور آن حضرت در حالت شباب و جوانی دلالت می‌کنند... و برفیق حدیث شریف چون نقطه اولی عز اسمه الاعلی در آغاز شباب و غضاغت غصن ظهور فرمود... اکنون قدری در این حدیث تدبر و تأمل فرما که حضرت ابی جعفر به صراحت می‌فرماید که چون قائم ظاهر شود سن مبارکش از چهل و پنج کم‌تر باشد و در عین شباب و ربیعان جوانی... (گلپایگانی، ۲۰۰۱م، ص ۵۸).

۲. رجوع شود به: طوسی، الغيبة، ص ۴۲۰؛ نعمانی الغيبة، ص ۲۱۱؛ همان، ص ۱۸۸؛ منتخب الانوار المضيئة، ص ۱۸۸.

از ضعف این بخش از روایت می‌باشد، و نیز حاکی از این است این بخش از روایت از معصوم صادر نگشته و در واقع به روایت تحمیل شده است.

دوم این‌که: تعبیر «و فی غیر هذه الروایة» گویا به روایتی دیگر اشاره دارد که این تعبیر: «وَإِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يُخْرَجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا»؛ در آن آمده است؛ اما در هیچ روایتی از منابع شیعی چنین روایتی با این تعبیر وارد نشده است؛ حتی مشابه این تعبیر در هیچ روایتی قابل مشاهده نیست؛ بلکه نظیر این روایت از منابع اهل سنت، و کتاب‌هایی همچون *تبايع المودة و المناقب*^۱ و *عقد الدرر* می‌باشد. در کتاب *عقد الدرر* این‌گونه وارد شده است: «و عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ قَامَ الْمَهْدِيُّ لَأَنكَرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا مُوَفَّقًا وَإِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يُخْرَجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا» (یوسف بن یحیی، ۱۴۱۶ق: ص ۶۹). گویا تعبیر مرحوم نعمانی رحمته الله: «و فی غیر هذه الروایة» به این روایت از اهل سنت ناظر است؛ اما این روایت، اولاً، مرسله و غیر قابل استناد است و ثانیاً، از امام حسین علیه السلام نقل شده است؛ نه از امام صادق علیه السلام؛ بر خلاف آنچه گلیپایگانی به این روایت نسبت داده است.

سوم این‌که: گلیپایگانی از روی سهل‌انگاری یا به عمد، تعبیر روایت نعمانی را از: «و فی غیر هذه الروایة أنه قال»، به «وقال أيضاً علیه السلام» عوض کرده تا غیریت این دو روایت را برهم زند و خواننده تصور کند امام در ادامه این‌گونه فرموده است؛ در حالی که تعبیر «و فی غیر هذه الروایة» کلام مرحوم نعمانی است که ایشان به این روایت از اهل سنت اشاره می‌کند.

چهارم این‌که: ایشان بر بخشی از روایت که پندار مردم در مورد پیری مهدی موعود علیه السلام را بیان می‌کند؛ چنان مانور می‌دهد که گویا از اعتقادات مسلم شیعه است؛ حال آن‌که هیچ‌گاه علمای شیعه منتظر موعودی با موها و ریش‌های سفید نبوده و نیستند، که با آمدن موعود جوان به تعجب و انکار دچار شوند؛ و به صرف این‌که این مطلب در روایتی ذکر شده باشد؛

۱. قندوزی، ۱۴۱۷: ص ۵۸۹ و شافعی، عبدالله، المناقب، به نقل از تجلیل تبریزی، ۱۳۹۸ق: ص

دلیل بر اعتقاد شیعه به آن نمی‌شود.

پنجم این‌که: ایشان تلاش می‌کند بین انکار علما و روایت مذکور ارتباط دهد و مدعی می‌شود که تکذیب علما به دلیل جوانی باب بوده است. او می‌نویسد:

«وفق حدیث شریف، چون نقطه اولی عز اسمہ الاعلی در آغاز شباب و غضاخت غصن ظهور فرمود، ارباب قلوب مریضه بی‌درنگ آن حضرت را تکذیب کردند؛ چون قائم را پیر هزار ساله می‌پنداشتند» (گلیپایگانی ۲۰۰۱، ص ۵۷)؛ در حالی که این‌گونه نیست و هیچ‌گاه علمای شیعه، علی‌محمد شیرازی را به خاطر جوانی‌اش انکار نکردند؛ بلکه به علت بی‌دلیل بودن ادعاهایش به شبهه خبط دماغ (جنون) او قائل بودند.

۴. براساس دومین روایتی که گلیپایگانی نقل می‌کند؛ امام علیه السلام می‌فرماید: «من چگونه باشم، در حالی که به چهل و پنج سالگی رسیده‌ام! صاحب این امر، نسبت به من به عهد شیرخوارگی نزدیک‌تر و بر پشت مرکب از من چالاک‌تر است.» (گلیپایگانی، ۲۰۰۱، ص ۵۷) درباره این روایت، چند نکته قابل توجه است:

اولاً: گلیپایگانی نیز روایت را همین‌گونه ترجمه کرده است؛ اما وقتی آن را بر باب تطبیق می‌دهد؛ مراد روایت را به گونه دیگر، تفسیر می‌کند و می‌گوید: «قائم در عین شباب و ریعان جوانی و قرب عهد به شیرخوارگی ظهور فرماید»؛ در حالی که طبق بیان امام، سن قائم از چهل و پنج کم‌تر است و نسبت به امام به عهد شیرخوارگی نزدیک‌تر است؛ یعنی و لو این‌که یک‌سال از این سن کم‌تر باشد؛ نزدیک‌تر بودن، صادق است؛ نه آنچه گلیپایگانی گفته که به عهد شیرخوارگی نزدیک است تا بر باب بیست و پنج ساله صادق باشد. پس، ایشان در ترجمه، افعال تفضیل را رعایت کرده است؛ اما در تطبیق، آن را بدون تطبیق و مطلق بیان کرده، و به نوعی در مضمون روایت تصرف کرده است.

۱. علمای تبریز در جواب توبه نامه باب چنین نگاشتند: سید علی‌محمد شیرازی شما... اقرار به مطالب چندی کردی که هر یک جداگانه باعث ارتداد شماست و موجب قتل، توبه‌ی مرتد فطری مقبول نیست و چیزی که موجب تأخیر قتل شما شده شبهه‌ی خبط دماغ است، اگر آن شبهه رفع شود، بلا تأمل احکام مرتد فطری به شما جاری می‌شود (نجفی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۳).

ثانیاً: در جلالت و عظمت کتاب کافی و مؤلف آن هیچ شکی نیست؛ اما این گونه نیست که روایات آن از بررسی سندی یا دلالتی بی‌نیاز باشد و هرچند این روایت در کافی شریف وارد شده است؛ سند روایت به خاطر زید ابی الحسن ضعیف است. محتوای روایت نیز باید با مجموع روایات این باب سنجیده شود.

۵. بر اساس سومین روایت که اُزْدی از امام صادق علیه السلام نقل کرده بود، آن حضرت پوست دست خود را می‌کشند و می‌فرمایند: من پیر هستم و صاحب شما شابّ حدث است. در این مورد دو نکته قابل توجه است:

اول این که: امام به پیری خود اشاره دارد و پوست بازوی خود را به نشانه پیری می‌کشد، حاکی از این است که امام شرط قیام و رسالت الهی را در خصوصیات فیزیکی جوانی می‌داند. پس، تعبیر شابّ حدث باید با صدر روایت و قرائن درون متنی سنجیده شود و آن، این که نارس بودن جوان با فضای داخلی روایت متناسب نیست؛ بلکه خصوصیات عمومی و فیزیکی جوانی منظور است.

دوم این که: ایشان شابّ حدث را جوان نارس معنا می‌کند و آن را بر باب شیرازی بیست و پنج ساله منطبق می‌داند؛ در حالی که ما با گواه تاریخ و متون قدیمی اثبات کردیم که این واژه از زیر بیست سال تا بالای پنجاه سال را شامل می‌شود؛ یعنی هر کسی با پیرتر از خودش سنجیده شود، شابّ حدث می‌باشد.

۶. ایشان روایت چهارم (روایت دوم ابی بصیر) را مورد دستبرد قرار داده و واژه «جاز» را به «حاز» تبدیل کرده است؛ چرا که اولاً، در هیچ نسخه‌ای حاز به کار نرفته؛ ثانیاً، از لحاظ ترکیب معنایی دو واژه دارای معنایی متفاوت است: «لیس من جاز اربعین»، یعنی از چهل مجاوزت نمی‌کند؛ بدان معنا که می‌تواند چهل ساله باشد که با ادعای گلپایگانی تطابق ندارد؛ اما «لیس من حاز» یعنی به چهل سال نمی‌رسد، که با ادعای گلپایگانی تطابق بیش‌تری دارد.

۷. پنجمین روایت نیز از دستبرد گلپایگانی در امان نمانده است. ایشان واژه «اخملنا» را به «اجملنا» مبدل می‌سازد؛ چرا که «خمول» به معنای گمنامی است. این، با مخفی بودن

ولادت و زندگی ایشان قبل و بعد از غیبت سازگار است و البته علی محمد باب دارای چنین وضعیتی نبوده است. پس، ایشان خود را به دردسر نینداخته و واژه زیباترین را جعل کرده است. از سوی دیگر، در هیچ روایتی به زیبایی حضرت پرداخته نشده و اصلا زیبایی امری نسبی است که ملاک قضاوت قرار نمی‌گیرد. با اغماض از همه این امور، روایت یحیی بن سالم به دوره خردسالی حضرت مربوط است، یا این که ظن قوی بر آن وجود دارد. لذا برای بعد از ظهور قابل تمسک نیست.

۸. در کدام کتاب از کتاب‌های معتبر شیعی، از جمله: کمال‌الدین، الغیبة نعمانی و الغیبه طوسی، بحث از سرزمین جابلقا و جابرسا وارد شده که شما چنین نسبتی به شیعه می‌دهید؟! البته این اعتقاد از شیخ احمد احسائی و برخی دیگر است که شما او را یکی از نورین نیرین می‌دانید؛ در حالی که هیچ یک از بزرگان علمای شیعه از قدما تا متاخرین چنین نظری را مطرح نکرده است و این که روایتی ضعیف را که در کتابی ضعیف وارد شده باشد، نمی‌توان به عنوان اعتقاد به شیعه نسبت داد.

۹. در نهایت آنچه از بررسی مضمون روایات به دست می‌آید، این است که این روایات حاکی از وضعیت قدرت و نشاط جوانی، کمالات بدنی و مجموع خصوصیات است که قیام کننده، نیاز دارد؛ نه این که برای ایشان سنی مشخص و معین شده باشد. لذا این روایات بر موضوعات خارجی قابل تطبیق نیست و تواتر لفظی یا لااقل معنوی روایات بر طول عمر و طول غیبت مهدی موعود علیه السلام اشاره دارد؛ که قطعاً باب دارای چنین غیبتی نبوده است.

۱۰. علاوه بر شاخصه جوانی موعود، شاخصه‌های متعددی در روایات شمرده شده که هیچ یک بر علی محمد باب شیرازی قابل تطبیق نیست؛ از جمله، علائم قطعی ظهور (ندای آسمانی، خروج یمانی، خروج سفیانی، خسف بیدا، قتل نفس زکیه) که بنابر روایات زیادی، مقارن ظهور اتفاق می‌افتد و کسی مدعی وقوع آن در زمان قیام باب نیست. علاوه بر این که با آمدن باب هیچ یک از اهداف موعود جهانی محقق نشد؛ رفع ظلم نشد؛ عدالت فراگیر جهانی برپا نگشت؛ حکومتی بر مبنای توحید شکل نگرفت؛ فقر ریشه کن نشد و امنیت عمومی ایجاد نگشت، که با وجود این امور آمدن چنین موعودی لغو و بیهوده بوده است.

نتیجه

مجموع روایاتی که در حوزه سنّ حضرت حجت وارد شده است، با این که دارای تعابیر متفاوت و با ظاهر متعارض می‌باشند؛ با دقت در روایات هر دسته و بررسی آن‌ها، وحدت مضمون کلیه روایات روشن می‌شود. لذا بعد از بررسی روایات به تواتری معنوی در زمینه سنّ حضرت می‌رسیم و آن این که حضرت در شمایل جوانی و در اوج نشاط و قدرت، جهت اجرای رسالت جهانی خویش آماده می‌شود.

نکته اول اثبات می‌کند که به قطع و یقین، حضرت دارای غیبت طولانی و عمری بلند می‌باشد و این نکته که غیبت حضرت از ضروریات مذهب شیعه است که هیچ شک و شبهه‌ای در آن راه ندارد؛ آن را تأیید می‌کند. لذا منظور روایاتی که حضرت را در سنّ جوانی معرفی کرده و یا سن خاصی را ذکر است، سن طبیعی نوع بشر نیست؛ چراکه قطعاً با معیار سن طبیعی، حضرت تا به حال بیش از هزار سال عمر داشته‌اند. پس، این روایات عمر طبیعی را منظور ندارد؛ بلکه منظور شمایل حضرت هنگام ظهور است که اثری از پیری و کهولت ندارد و در سن جوانی و انسانی کامل است و جهت اجرای رسالت جهانی با قدرت تمام آماده می‌باشد.

تأیید این مطلب، با دقت در واژه‌ها و تعابیر روایات به دست می‌آید. استفاده از واژه «فی صورت» در چهار روایت؛ یعنی در شکل و شمایل جوان؛ و واژه‌های «منظر» به معنای ظاهر و «لیحسبه»؛ یعنی این گونه گمان می‌شود و این که مرور زمان و گذشت سالیان بر چهره ایشان تأثیری نداشته: «لا یهرم...» و اشاره به جوانی بعد از «کبر السن»، و «شیخ السن» بودن ایشان؛ همه این‌ها حاکی از آن است که سن طبیعی منظور نیست؛ جدا از این که با واژه‌های به کار رفته در روایات، نظیر «شاب» و «حدث السن» و «شاب موفق» هیچ گونه تعارضی ندارد؛ بلکه این تعابیر مؤید مختار است.

نتیجه این که حضرت حجت - روحی له الفداء - در کمال قدرت با تناسب بدنی فوق العاده و با نشاط جوانی و بلوغ عقلی انسان چهل ساله و دارای همه کمالات روحی و صفات نفسانی نیکو ظهور خواهند کرد. پس، این روایات بر غیر ایشان تطبیق ندارد و مدعیان

دروغین دیگر نمی‌توانند این روایات را بر خود تطبیق دهند و بگویند روایات بر حوادث سنّ قائم دلالت دارد. پس کسی که در سن جوانی و حوادث سن، ادعای مهدویت کند، نشانه‌ای از نشانه‌های موعود را داراست و به دروغ ادعا می‌کند که اوست همان قائم موعود.

کتابنامه

۱. ابن اَبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغة لابن اَبی الحدید، ابراهیم محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین وتمام النعمه، مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، مصحح: حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل اَبی طالب علیهم السلام، قم: علامه، چاپ چاپ اول، ۱۳۷۹ق.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، محقق، مصحح: مؤسسه صاحب الأمر؛ اصفهان: گلبهار، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۶. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، محقق، مصحح: هارون، عبد السلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۸. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۹. اربلی علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، مصحح: رسولی محلاتی هاشم، تبریز، بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
۱۰. اشراق خاوری، عبد الحمید، تلخیص تاریخ نبیل زرنندی، طهران، لجنه ملی نشر آثار امری، ۱۰۶ بدیع، ۱۳۲۸ش.
۱۱. اشراق خاوری، عبد الحمید، رساله ایام تسعه، لجنه ملی امور احبای ایرانی در آمریکا، چاپ ششم، ۱۳۹ بدیع.
۱۲. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال - الإمام علی بن اَبی طالب علیه السلام، موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، قم: مؤسسه الإمام المهدي علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش.

۱۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۱۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *الإنصاف فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر (علیهم السلام)*، ترجمه: رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ق.
۱۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *حلیة الأبرار فی أحوال محمّد وآله الأطهار (علیهم السلام)*، اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۶. بهاء الدین نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، *منتخب الأنوار المضيئة فی ذکر القائم الحجة (علیهم السلام)*، قم: مطبعة الخيام، ۱۳۶۰ش.
۱۷. تجلیل تبریزی، *من هو المهدي*، قم: بی نا، ۱۳۹۸ق.
۱۸. تستری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، قم: مطبعة مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۹. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، *الغارات*، مصحح حسینی عبدالزهراء، قم: دارالکتب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۰. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار (علیهم السلام)*، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۲۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، مصحح: علی هلالی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۲. حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر البصائر*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲۳. حمیری عبدالله بن جعفر، *قرب الإسناد*، قم: موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۴. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، قم: بیدار، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۲۵. خویی ابوالقاسم *معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة*، بیروت: مدینة العلم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۶. شیرازی علی محمد (باب)، *منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی عز اسمه الاعلی*، موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴ بدیع، بی تا.
۲۷. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد (علیهم السلام)*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۸. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، خراسانی محمد باقر، مشهد: نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
۳۰. طریحی، فخر الدین بن محمد؛ *مجمع البحرین*، مصحح: حسینی اشکوری احمد، مرتضوی، تهران: بی نا، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.

۳۱. طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه للحجة، قم: دار المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۳۲. طوسی، محمد بن الحسن، رجال الطوسی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسة، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۳۳. عاملی (شیخ حر)، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات. اعلامی، بیروت: بی نا، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۳۴. عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی بن حجر، لسان المیزان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۶م، ۱۴۱۶ق.
۳۵. عسقلانی شافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۳۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه الامام امیر المومنین علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۳۷. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۸. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۹. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، قم: نشر الشریف الرضی، ۱۳۷۵ش، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۴۰. کشی محمد بن عمر، رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال، مصحح: مصطفوی حسن، مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۴۲. گلپایگانی ابولفضل، فرائد، هوفهایم آلمان، موسسه مطبوعات امری آلمان، ۱۵۸ بدیع، ۲۰۰۱م.
۴۳. مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی احوال الرجال، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ق.
۴۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محی الدین مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۴۵. محمدی اشتیاردی، محمد، بابی گری و بهائی گری، بهار، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، رسولي محلاتی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴۷. مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنز الدقائق بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.

۴۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
۴۹. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
۵۰. نجفی، سید محمد باقر، *بہائیان*، قم: نشر مشعر، چاپخانه دار الحدیث، ۱۳۸۳ش.
۵۱. نعمانی، ابن ابی زینب، محمد بن ابراہیم، *الغیبة*، تهران: بی نا، چاپ اول: ۱۳۹۷ش.
۵۲. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراہیم، *الغیبة*، ترجمہ: فہری، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، چاپ چہارم، ۱۳۶۲ش.
۵۳. یوسف بن یحیی المقدسی الشافعی، *عقد الدرر فی أخبار المنتظر*، تحقیق: عبد الفتاح محمد الحلوی، قم: نشر نصایح و مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۵۴. یزدی حایری، علی، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، مصحح: عاشور علی، بیروت: مؤسسہ الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۵۵. ہیتمی مکی، أحمد شہاب الدین بن حجر، *الفتاوی الحدیثیہ لابن حجر الہیتمی*، مصطفی الحلبی الطبعۃ الثانیۃ، المكتبة الشاملة از: www.ahlalhdeth.com
۵۶. ابن اثیر، اسد الغابۃ، نرم افزار المكتبة الشاملة، از سایت <http://www.alwarraq.com>

